



بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان پنجمین اجلاسیه‌ی دوره‌ی پنجم مجلس خبرگان رهبری (۱)

15 شهریور / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فى الارضين (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه و صلوات الله عليه).

خیلی خوش آمدید آقایان محترم؛ بنده تشکر میکنم از اینکه زحمت کشیدید و بعد از این اجلاس پُرکاری که در این دو روز داشتید، امروز را لطف کردید و اینجا تشریف آوردید.

ایام، ایام مهمی است؛ این دهه‌ی آخر ذی‌حجه بلکه نیمه‌ی دوّم ذی‌حجه؛ روزهای مهمی از لحاظ تاریخ اسلام و حوادث تاریخی اسلام است. دیروز -روز بیست و چهارم- بنا بر مشهور، روز مباهله بود و همچنین روز نزول آیة‌ی ولایت در حق امیرالمؤمنین (سلام الله علیه): **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ**؛ (۲) امروز هم روز نزول سوره‌ی هل‌اتی (۳) است و به قولی امروز روز «مباهله» است؛ ایام مهمی است. خب، در همین نیمه‌ی دوّم ذی‌حجه، روز غدیر را هم که داریم که عید اکبر و حادثه‌ی مهمّ تاریخ اسلام است. مباهله -که یاد آن را باید گرامی داشت و بسیار مهم است- در واقع مظهر اطمینان و اقتدار ایمانی و تکیه‌ی بر حقانیت است و این، آن چیزی است که ما همیشه به آن احتیاج داریم. امروز هم ما احتیاج داریم به همین اقتدار ایمانی و همین تکیه‌ی بر حقانیت خودمان؛ چون در راه حق داریم حرکت میکنیم، به این باید در مقابل دشمنی دشمنان و دشمنی استکبار تکیه کنیم و الحمدالله تکیه هم میکنیم؛ از این جهت، ملت ایران، **افکار عمومی**، سرجمع گرایشهای مردمی کشور ما همین است که چون حقند، چون در راه درست دارند حرکت میکنند، یک اطمینان عمومی‌ای بحمدالله وجود دارد. سوره‌ی هل‌اتی هم مظهر برکت یک کار مخلصانه است؛ یک ایثار مخلصانه که خدای متعال به خاطر این ایثاری که اهل بیت (علیهم‌السلام) انجام دادند، **یک سوره نازل کرد در حق اینها** -سوره‌ی هل‌اتی- که این هم ضمن اینکه حالا یک حادثه‌ی تاریخی بسیار مهم و عزیز و افتخارآفرین است، درس است؛ ایثار در نظر پروردگار وقتی با اخلاص همراه باشد پاداش دنیوی و اخروی دارد.

خب، الحمدالله در جلسه‌ی اجلاس این‌بار شما آقایان -آن‌طور که حالا در گزارشات جناب آقای جنتی و جناب آقای موحدی بود و بنده هم قبلاً گزارشی از اظهارات آقایان در نطقهایی که میکردند داشتم- مطالب مهمی را مطرح کردید، مطالب مهمی را متعرّض (۴) شدید، دسته‌بندی خوبی هم که جناب آقای موحدی کردند و گزارشی هم که جناب آقای جنتی از هیئتهای اندیشه‌ورز کردند، این هم بسیار خوب است که این کار را شما شروع کردید؛ این کار هرچه پیش برود و به آن اهتمام بشود و برایش سرمایه‌گذاری فکری و انسانی بشود، برکاتش بیشتر ظاهر خواهد



شد. این اندیشه ورزی اهل علم و اهل فکر و خبرگان ملت، بسیار مهم است، البته با شرایطی که دارد و ان شاء الله مورد توجه قرار میگیرد.

بنده فراموش نکنم و یاد کنم از این دو برادر بزرگواری که از دنیا رفتند، جناب [آقای ایمانی](#) (۵) و جناب [آقای مهمان نواز](#)، (۶) دو امام جمعه‌ی موقّ و محترم؛ خداوند ان شاء الله آنها را غریق رحمت کند و خدا ان شاء الله برادر عزیزمان جناب آقای شاهرودی (۷) را شفای عاجل و کامل عنایت کند.

آنچه من امروز میخواهم عرض بکنم یک نکته است که حالا در اطراف آن نکته، یک مقداری بحث داریم و صحبت داریم و عرایضی عرض خواهم کرد، و آن عبارت است از مسئله [وحدت و انسجام ملی](#) و آرایش عمومی افکار عمومی -افکار ملت- در جهت این وحدت؛ این بحث امروز بنده است و مطالبی در ذهنم هست که عرض میکنم به آقایان.

ما در دوره‌ی حسّاسی قرار داریم؛ الان -آن دوره‌ای که ما داریم میگذرانیم- دوره‌ی حسّاسی است؛ نه به این معنا که دشمن بیشتری داریم یا دشمن قوی‌تری داریم؛ نه، این دشمنهای امروز، همه از روز اوّل انقلاب بوده‌اند و چیزی اضافه نشده؛ علاوه بر این، آن کسانی که قبل از اینها بودند، از اینها قوی‌تر بودند؛ در این هم تردیدی نداشته باشید؛ هم در رژیم صهیونیستی این جور است، هم در رژیم آمریکا این جور است، و هم بعضی از این مرتجعین منطقه؛ آن قبلی‌هایشان از امروزی‌هایشان قوی‌تر و کارکشته‌تر بودند؛ هیچ کاری هم نتوانستند با انقلاب بکنند، [درحالی‌که] انقلاب هم آن روز یک نهال ضعیفی بود، یک نهال تازه‌ای بود که کندن آن از زمین خیلی تفاوت داشت با قلع این [شجره‌ی طیبه‌ای](#) که امروز وجود دارد و گسترده [شده] و «[اصلاً ثابت و فرغها فی السماء](#)». (۸) بنابراین «حسّاس» که میگوییم، از این جهت نیست. و آنها آن روز کارهای تندی هم کردند؛ [هواپیمای مسافری](#) ما را زدند، [به طیبس](#) حمله کردند، یک جنگ هشت‌ساله را به وسیله‌ی یک دیوانه‌ی منطقه بر ما تحمیل کردند، [محاصره‌ی اقتصادی](#) کردند، کارهای زیادی کردند؛ همه‌ی این کارها آن وقت انجام گرفته و الان خیلی از آن کارهایی که آن وقت کردند قابل انجام نیست یعنی قادر نیستند آن کارها را انجام بدهند. پس، از این جهت نمیخواهیم بگوییم [این] دوران خطیرتر از آن وقت است؛ بلکه از این جهت که یک جامعه و یک نظام، وقتی در یک [راه نویی](#) قدم میگذارد و یک مدّعی غیرمتعارفی را، یک مدّعی متفاوتی را مطرح میکند، و با این مدّعی متفاوت و راه نو وارد این جنگل انبوه تعارضات بین‌المللی میشود، با این خصوصیات طبعاً در دوره‌های مختلف، اوضاع گوناگونی پیدا میکند که بایستی برطبق آن اوضاع، شرایط خودش را تطبیق کند و برطبق آنها پیش برود. در صدر اسلام هم همین جور بوده است، امروز هم همین جور است؛ تعارضهای جهانی وجود دارد؛ این دنیای سیاست بین‌المللی یک جنگل انبوهی است، ما هم برخلاف جریان داریم حرکت میکنیم. جریان کثی دنیا، جریان استکبار و جریان [نظام سلطه](#) است؛ یعنی یک عده سلطه‌گرند، یک عده هم زیر بار این سلطه میروند، [سلطه‌پذیرند](#)؛ ما برخلاف این جریان داریم حرکت میکنیم؛ در این چهل سال این جور پیش رفته‌ایم، این جور حرکت کرده‌ایم. طبعاً اوضاع و احوالی برای ما پیش می‌آید که ناگزیر بایستی نسبت به این اوضاع و احوال حواسمان جمع باشد، دقتمان زیاد باشد، جوانب گوناگون قضیه را دائماً رصد کنیم و بسنجیم و ببینیم.

عرض کردم، در صدر اسلام هم قضیه همین جور بوده است. در آنجا هم اقتضائات گوناگون و شرایط گوناگون، وظایف گوناگونی به وجود می‌آورده. یک روز خدای متعال میفرماید که «[إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا](#) [مِائَتِينَ](#)»، (۹) یک روز میفرماید: [فَإِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ](#). (۱۰) یعنی یک روز باید با ده برابر



بجنگند، یک روز با دو برابر باید بجنگند. در حکمت الهی بلاشک قصوری وجود ندارد، خب معلوم است، این مربوط به شرایط است. در یک شرایطی وضع جوری است که خدای متعال میگوید بایستی یکی‌تان با ده نفر بجنگید، یک شرایط دیگر هم پیش می‌آید که وضع جوری است که خدای متعال میفرماید یکی‌تان با دو نفر باید بجنگید. این اختلاف شرایط، اختلاف احکام و اختلاف تکالیف را پیش می‌آورد. یک روز بدر است و حرکت آن چنانی یا فتح مکة است و مانند اینها، یک روز هم «إِذْ أُعْجِبْتُمْ كَثْرَتَكُمْ» در روز حنین است. وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتُمْ كَثْرَتَكُمْ قُلْمِ ثَغْنٍ عَنْكُمْ شَيْئًا؛ (۱۱) این جوری است. در هر جایی یک شرایطی وجود دارد، باید برطبق آن شرایط عمل کرد. خب، اگر از شرایط غفلت شد، ضرر میکنیم؛ چه مردم شرایط را ندانند، چه نخبگان به شرایط توجه نداشته باشند. بخصوص اگر چنانچه نخبگان از اوضاع و شرایط و وضعیّت موجود و جایگاهی که نظام قرار دارد غفلت بکنند، ضربه خواهیم خورد.

خب حالا من با این مقدمه، این را عرض میکنم: امروز جنگ ما کجا است؟ خب گفته میشود جنگ اقتصادی، درست هم هست. دشمن یک جنگ اقتصادی همه‌جانبه‌ای را علیه ما شروع کرده. اتاق جنگ هم دارند، با دقت هم دارند بررسی میکنند، مأمور دارند و دائم در حال تحرّکند؛ در این تردیدی نیست، یک چنین جنگی ما داریم، لکن یک جنگ دیگری هم هست که از آن جنگ، خیلی اوقات غفلت داریم؛ اهمیّت آن جنگ، کمتر از جنگ اقتصادی نیست، بلکه گاهی زمینه‌ساز تأثیر جنگ اقتصادی است؛ آن جنگ چیست؟ آن جنگ، جنگ رسانه‌ای، جنگ فضا سازی عمومی، جنگ تبلیغاتی است؛ خیلی مهم است. بله، از قبل هم این وجود داشته، علیه ما تبلیغات، همیشه زیاد بوده؛ امروز وضعیّت، شدت بیشتری پیدا کرده است؛ مثل جنگ اقتصادی، قبلاً تحریم بود، امروز شدت پیدا کرده.

در این جنگ دوّم، در این عرصه‌ی دوّم، شدت فعلیّت دشمن و تحرّک دشمن زیاد شده، چند برابر شده؛ ما نباید از این جنگ غفلت کنیم. خبرهای ما، اطلاعات ما نشان میدهد که -یعنی اینها اطلاع است، تحلیل نیست- تشکیلاتی به وجود آمده است به وسیله‌ی دستگاه جاسوسی رژیم صهیونیست و دستگاه جاسوسی آمریکا، اینها تشکیلات درست کرده‌اند، از سوی قارون‌های منطقه هم دارند پشتیبانی مالی میشوند؛ در اطراف کشور، در بعضی از این کشورهای نزدیک به ما، اصلاً نشسته‌اند برنامه‌ریزی میکنند و به‌طور جدی دارند کار میکنند. بعضی‌هایشان لازم است زبان یاد بگیرند، زبان یاد میگیرند؛ بعضی لازم است با شرایط کشور آشنا بشوند، پول میدهند این کار را میکنند؛ برای اینکه بتوانند فضای فکری و تبلیغاتی کشور را آلوده کنند. و این مسئله، مسئله‌ی مهمی است؛ بسیار مسئله‌ی حسّاسی است؛ اینکه فضای تبلیغاتی کشور، فضایی باشد که مردم را، یا دچار اضطراب کند، یا دچار یأس و ناامیدی کند، یا دچار بدبینی کند -نسبت به یکدیگر و نسبت به دستگاه‌ها- یا احساس بُن‌بست به مردم بدهد، یا حتی مشکلات مربوط به اقتصاد را افزایش بدهد. حالا شما اشاره کردید به مسئله‌ی سکه و ارز و کاهش ارزش پول ملی و بالا رفتن قیمت ارزهای بیگانه؛ بله، این درست است؛ بخش مهمی از این به‌وسیله‌ی همین تبلیغات دارد اتفاق می‌افتد؛ یعنی همین تبلیغات است، همین رسانه‌هایند که دارند زمینه‌سازی میکنند، شما ناگهان می‌بینید که یک قیمت، دو برابر شد؛ [یعنی] به فاصله‌ی کمی ارزش پول ملی نصف شد، مثلاً توان و قدرت خرید پول ملی در مدّت کوتاهی نصف شد؛ این رسانه‌ها این کار را دارند انجام میدهند.

البته از دشمن توقعی نیست؛ یعنی جز رذالت از دشمن توقعی نیست؛ دشمن، دشمن است دیگر. آنچه مهم است این است که ما به این جو کمک نکنیم؛ من این را می‌خواهم عرض بکنم؛ آن نقطه‌ی اصلی عرض من همین است. ما به این جو کمک نکنیم؛ ما در آلوده کردن فضای عمومی ذهن مردم تأثیر نگذاریم؛ یعنی ما باید در جهت عکس



عمل کنیم. گاهی اوقات توجه نمیکنیم و این اتفاق می افتد؛ گاهی اوقات در بیان برخی از مشکلات مبالغه میکنیم، گاهی اوقات در بیان آن انتقادی که نسبت به یک دستگاهی یا به یک شخصی داریم، مبالغه میکنیم. این مبالغه مضر است؛ این مبالغه در آلوده کردن و هرچه بیشتر مضطرب کردن افکار عمومی به کار خواهد رفت؛ این کاری است که باید به آن توجه کرد. و ویروس بدبینی را نباید گسترش داد. ببینید! بنده خودم اهل انتقادم؛ من به همه‌ی این دولتهایی که از اول این مسئولیت این حقیر تا امروز سر کار آمده‌اند، در موارد گوناگون اعتراض و انتقاد داشته‌ام و انتقادها گاهی هم انتقادهای تندی بوده، سختی بوده؛ انجام داده‌ایم انتقادها را. من خودم اهل مسامحه‌ی در برخورد با مشکلات دستگاه‌های مسئول نیستم، لکن نوع گفتن، نوع اقدام کردن، نوع برخورد کردن باید جوری نباشد که موجب بشود که مردم اسیر و دچار بیماری بدبینی بشوند؛ این بدبینی را دیگر نمیشود درست کرد. جوری نباشد که مردم به وضعی دربیایند که هرچه تبلیغات مثبت در یک جهتی انجام بگیرد، قابل باور نباشد برای مردم، [اما] یک کلمه‌ی دروغ از طرف دشمن تا گفته میشود، قابل باور باشد برای مردم؛ این چیز خیلی خطرناکی است؛ نباید اجازه داد که این جوری بشود؛ ما میتوانیم در این زمینه تأثیر بگذاریم. این ویروس بدبینی چیز بدی است؛ بدبینی به سپاه، بدبینی به دولت، بدبینی به مجلس، بدبینی به قوه‌ی قضائیه، بدبینی به نهادهای انقلابی و بنیادهای انقلابی، بدبینی به اینها.

بله، انتقاد اشکالی ندارد، بلکه لازم است؛ انتقاد برای اصلاح لازم است، انتقاد یک عمل دوستانه است، عمل خصمانه نیست؛ وقتی شما انتقاد میکنید یک عمل دوستانه است؛ همین «[الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ](#)»، (۱۲) [یعنی] آنچه را در طرف مقابل وجود دارد که عیب در او است و مورد انتقاد شما است، شما آن را درمی‌آورید، به او میگویید، این بسیار کار خوبی است؛ انتقاد باید انجام بگیرد. گاهی اوقات انتقاد بایستی عمومی هم باشد؛ ما همیشه معتقد نیستیم که انتقاد بایستی درگوشی باشد؛ نه، گاهی هم باید عمومی باشد، اما اینکه ما به نحوی انتقاد بکنیم که آن شنونده‌ی انتقاد به تعبیر رایج بند دلش پاره بشود و بگوید «دیگر همه چیز از دست رفت، پدرمان درآمد»، این جوری نباید انتقاد بکنیم؛ ما گاهی اوقات اشتباه میکنیم در کیفیت انتقاد کردن و این جوری کار میکنیم. این دستگاه‌هایی هم که مورد انتقاد قرار میگیرند، خب کارهای خوب هم دارند، آن کارهای خوب را هم باید گفت. بنده چند روز پیش از این در یک [جلسه‌ای که با آقایان داشتیم](#)، (۱۳) به آقایان دولتی‌ها گفتم که کارهای مثبت را باید دید، کارهای منفی را هم باید دید؛ این جور نباشد که ما همه‌ی کارهای منفی را ببینیم. دولت، هم کارهای مثبت دارد، هم مشکلاتی دارد؛ مجلس همین جور، قوه‌ی قضائیه همین جور، دستگاه‌های گوناگون همین جور؛ همه‌مان این جور هستیم که یک چیزهای مثبتی داریم؛ [خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ](#)، (۱۴) این خلط عمل صالح و سیئه، یک چیزی است که در همه وجود دارد، در همه جا وجود دارد. ما اگر عمل سیئه را ذکر میکنیم، عمل صالح را هم ذکر کنیم؛ این موجب میشود که مردم، هم متوجه بشوند که اینجا اشکال دارد، هم این موجب نشود که بکلی مایوس بشوند و بگویند «آقا! همه چیز از دست رفت»؛ این[طور] نباید باشد. کارهای خوب هست، کارهای بد هم هست؛ همه را باید انسان ببیند و بگوید. آن آیه‌ی شریفه [میگوید]: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ](#)، (۱۵) اگر چنانچه بخواهیم قول سدید داشته باشیم -قول سدید یعنی قول با پشتوانه- باید این جوری حرکت بکنیم، این جوری باید عمل بکنیم. لولا يَنْهَاهُمْ الرِّبَانِيُّونَ وَ الْاِحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَ أَكَلِهِمُ السُّحْتَ، (۱۶) این دو نکته‌ی مهم [در این آیه] این است که قرآن نهیب میزند که چرا احبار و رهبانیهون، اینها را از این دو چیز منع نکردند [که از] این دو چیز یکی‌شان «قولهمُ الاثم» است، [یعنی] حرف دروغ، حرف غلط، حرف نسنجیده، قول بغیرعلم؛ یکی هم «أَكَلِهِمُ السُّحْتَ» -که همین مسائل اقتصادی است، روابط اقتصادی ناسالم، همین فسادها و مفسدین و امثال اینها- هر دوی اینها را بایستی بکلی علاج کرد.



خب، اینکه عرض میکنم و میگویم انقلاب و کشور در حال پیشرفت است؛ این چیزی است که بنده به عنوان رجزخوانی نمیگویم؛ من این را از روی اطلاع عرض میکنم که کشور در حال پیشرفت است، انقلاب و مبانی انقلابی در حال پیشرفت است. بله، حرف ضد انقلابی از دهان خارج میشود، مطالبی گفته میشود اما آنچه در واقع قضیه وجود دارد عبارت است از اینکه کشور دارد به سمت مفاهیم انقلابی و آرمانهای انقلابی و حقایق انقلابی حرکت میکند؛ حالا این حرکت ممکن است به آن سرعت و شتابی که مورد نیاز است نباشد، اما هست، این حرکت وجود دارد. کشور در حال پیشرفت است؛ ما در زمینه‌های گوناگون پیشرفت داریم: در زمینه‌ی علمی پیشرفت داریم، در زمینه‌ی صنعتی پیشرفت داریم، در زمینه‌ی عزت سیاسی پیشرفت داریم، در زمینه‌ی رشد فکری پیشرفت داریم، در زمینه‌های معنوی پیشرفت داریم. بنده حالا یک نمونه‌ای را بعداً در آخر صحبت‌م عرض خواهم کرد. از این نمونه‌ها یکی دو تا نیست؛ ما پیشرفت داریم. این همه جوان خوب در کشور هست؛ شما ببینید الان در فضای مجازی چه خبر است! چقدر «مُضِلَّاتُ الْفِتَنِ» (۱۷) در این فضای مجازی و در ماهواره‌ها و در این تشکیلات وجود دارد و جوان در معرض همه‌ی اینها است، در عین حال شما ببینید راه‌پیمایی اربعین چه جوری است، اعتکاف چه جوری است، نماز جماعت‌های دانشگاه‌ها چه جوری است. اینها خیلی مهم است؛ چرا ما اینها را نباید ببینیم؟ اینها نشان‌دهنده‌ی این است که حتی معنویت که سخت‌ترین [بخش] است - آن بخش معنوی فرهنگ - دارد پیشرفت میکند. جلسات ماه رمضان را شما ملاحظه کنید؛ بنده بخصوص در ماه رمضان‌ها و همچنین محرم و صفر از این معنا استفسار میکنم (۱۸) و از کسانی سؤال میکنم که بروند تحقیق کنند، کار کنند و ببینند نسبتِ جلساتِ امسالِ ماه رمضان به سال گذشته چیست؛ میروند گزارش می‌آورند؛ انسان واقعاً حیرت میکند از این پیشرفت، از این حرکت رو به جلو. اینها را ما چرا نباید ملاحظه کنیم، چرا نباید ببینیم؟ اینها دیده بشود، تحلیل بشود و گفته بشود؛ اینهایی که بلندگوهای پرمخاطب در اختیار دارند، اینها را بایستی بیان کنند و بگویند.

یک نکته‌ی مهم، انسجام مردم و دستگاه‌های مدیریتی کشور است. مردم بایستی با دستگاه‌های مدیریتی کشور - چه دستگاه قضائی، چه قوه‌ی مجریه، چه بقیه‌ی دستگاه‌ها - ارتباط پیدا کنند؛ انسجام. البته بخش مهمی از این [اعتمادسازی](#) به عهده‌ی خود دستگاه‌ها است؛ یعنی خود دولت، خود قوه‌ی قضائیه، خود دستگاه‌های دیگر بایستی رفتارشان، عملشان جوری باشد که جلب اعتماد بکند؛ این بخش به عهده‌ی آنها است، اما بخشی هم به عهده‌ی من و شما است، بخشی هم به عهده‌ی کسانی است که مخاطب دارند؛ کسانی که بلندگو دارند که بایستی در این بلندگوهای رسمی و غیررسمی، حرفهایی زده بشود. هیچ دولتی هم بدون کمک و پشتیبانی مردم قادر به کار نیست، نه دولت ما و نه هیچ دولتی در دنیا. ما نباید کاری کنیم که این پشتیبانی و اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های اجرائی کشور - چه در بخش قضائی، چه در بخش قوه‌ی مجریه و بقیه‌ی بخشها [مانند] نیروهای مسلح - سلب بشود. [علاج مشکلات](#) این نیست که ما پشت دولت را خالی کنیم؛ علاج مشکلات این نیست که ما تبرّی کنیم از آنچه دستگاه‌های مسئول انجام میدهند؛ نخیر، علاج این است که ما انتقاد کنیم، حرفمان را بزنیم، کمک کنیم، کمک فکری بکنیم و کمک عملی بکنیم؛ علاج این است.

البته مسئولین دولتی - که امروز خوشبختانه [از] آقایان رؤسا هم اینجا حضور دارند - باید از نظرات مردم استفاده کنند، از نظرات خبرگان استفاده کنند. همین مطالبی که اینجا گفته شد، این فهرست طولانی‌ای که خوانده شد، برخی از مواد این فهرست بسیار مهم است؛ مسئله‌ی ارزش پول ملی خیلی مهم است. واقعاً گروه‌هایی را بگذارند که بنشینند درست فکر کنند؛ نه فقط گروه‌های دولتی، [بلکه] گروه‌هایی خارج از دولت؛ اقتصاددان‌ها هستند،



متخصصین مسائل پولی در کشور هستند؛ ادعا میکنند، به ما هم مینویسند، به ما هم میگویند، گاهی در روزنامه‌ها هم مینویسند و میگویند که اینها همه علاج دارد، راه دارد و راهش را بلدیم؛ خیلی خوب، اینها را بخواهید، با آنها صحبت بکنید، راهش را پیدا کنید و این مشکل را برطرف [کنید]. یا مثلاً آن مسئله‌ای که ما به آقایان دولتی‌ها عرض کردیم که نقدینگی کشور را هدایت کنند به سمت کارهای سازندگی و به سمت تولید، این کارگروه لازم دارد و کسانی باید بنشینند [فکر کنند]؛ این کار، تحرک لازم دارد. این کارها را باید بکنند؛ اینها وظیفه‌ی دولتی‌ها است که باید انجام بدهند. ما بایستی دولتی‌ها را به این سمت هدایت کنیم و کمک کنیم، و کاری بکنیم که مردم به آن تلاشی که آنها میکنند خوشبین باشند؛ ببینند بله، دارد تلاش انجام میگیرد. این است که آن مشکل گره فکری افکار عمومی را باز میکند؛ بعضی‌ها نگران مشکلاتی در افکار عمومی هستند که نگرانی هم به‌جا است، بیجا نیست؛ آن چیزی که این را حل میکند، همین است که ما بتوانیم رابطه‌ی صحیح و سالمی بین افکار عمومی مردم و بین دستگاه‌های مسئول به وجود بیاوریم؛ نه به معنای خوش بینی مطلق.

حالا به بنده گاهی میگویند شما چرا به دولت تشر نمی‌زنید؛ مرادشان لابد تشر در معرض عام است، و الا از جلسات خصوصی ما که خبر ندارند! بنده اقلّاً ده برابر آن مقداری که در رسانه‌ها بعضی جلسات ما منعکس میشود، جلسات دیگر داریم با مسئولین مختلف - نظامی، غیرنظامی، دولتی، قضائی و غیره - خب از آنها که مطلع نیستند، دلشان میخواهد که بنده در معرض عام تشر بزنم. خب فایده‌ی این تشر چیست؟ فایده‌ی این تشر این است که دل شما خنک میشود، همین! یعنی بیش از این فایده‌ای ندارد؛ اما ضررهای بزرگی دارد؛ این ضررها را باید بسنجید. دعوا کردن راه اصلاح نیست، همچنان که ایجاد تشکیلات موازی با دولت هم راه اصلاح نیست. اینکه آقای جنتی فرمودند کار جهادی، کاملاً حرف درستی است؛ **کار جهادی** باید انجام بگیرد، اما به وسیله‌ی چه کسی؟ به وسیله‌ی خود مسئولین؛ در مجاری قانونی باید این کار انجام بگیرد. بله، یک موردی ممکن است باشد که [به] مسئول دستگاه دولتی، قانون جواب ندهد، احتیاج باشد یک کار برخلاف قانون انجام بدهد، احتیاج باشد از ما اجازه بگیرد که ما حتماً همراهی و کمک خواهیم کرد؛ این مشکلی ندارد - **مثل کاری که رئیس محترم قوه‌ی قضائیه کردند** - (۱۹) اما کار را باید خود مسئولین مربوطه انجام بدهند. کار موازی در کنار دستگاه دولتی کار موفق نیست؛ این تجربه‌ی قطعی این حقیر است در طول این سالها. بله، بایست کار را جهادی انجام داد، منتها جهادی را چه کسی انجام بدهد؟ مسئولین مربوطه بایستی این را انجام بدهند؛ این هم این مطلب.

عرض کردم که دشمن تحرکی میکند و ما قطعاً دشمن را در این مرحله و در همه‌ی مراحل بعدی به توفیق الهی شکست میدهیم. **وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ حَتَّتْ مِنْ قَبْلُ** **وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا**. (۲۰) اگر دشمن کافر با شما مواجه بشود، حتماً مجبور به عقب‌نشینی است؛ البته وقتی شما می‌جنگید، وقتی که شما مبارزه میکنید؛ [اگر] بنشینید و بیکار بمانید نه؛ اما وقتی که داریم حرکت میکنیم، داریم کار میکنیم، حتماً دشمن شکست می‌خورد. ما بحمدالله در طول زمان هم این را دیده‌ایم. عرض کردم، حتی در زمینه‌های معنوی.

حالا من یک نمونه‌ای را [بگویم]. **یک کتابی** (۲۱) تازه خوانده‌ام که خیلی برای من جالب بود. دختر و پسر جوان - زن و شوهر - متولدین دهه‌ی ۷۰، می‌نشینند برای اینکه در جشن عروسی‌شان گناه انجام نگیرد، نذر میکنند سه روز روزه بگیرند! به نظر من این را باید ثبت کرد در تاریخ که یک دختر و پسر جوانی برای اینکه در جشن عروسی‌شان ناخواسته خلاف شرع و گناهی انجام نگیرد، به خدای متعال متوسل میشوند، سه روز روزه میگیرند. پسر عازم دفاع از



حریم حضرت زینب (سلام الله علیها) میشود؛ گریه‌ی ناخواسته‌ی این دختر، دل او را میلرزاند؛ به این دختر - به خانمش - میگوید که گریه‌ی تو دل من را لرزاند، اما ایمان من را نمی‌لرزاند! و آن خانم میگوید که من مانع رفتن تو نمی‌شوم، من نمی‌خواهم از آن زنهایی باشم که در روز قیامت پیش فاطمه‌ی زهرا سرافکننده باشم! ببینید، اینها مال قضایای صد سال پیش و دویست سال پیش نیست، مال سال ۹۴ و ۹۵ و مال همین سالها است، مال همین روزهای در پیش [روی] ما است؛ امروز این است. در نسل جوان ما یک چنین عناصری حضور دارند، یک چنین حقیقت‌های درخشانی در آنها حضور دارد و وجود دارد؛ اینها را باید یادداشت کرد، اینها را باید دید، اینها را باید فهمید. فقط هم این [یک نمونه] نیست که بگویید «آقا! به یک گل بهار نمیشود»؛ نه، بحث یک گل نیست؛ زیاد هستند از این قبیل. این دو - زن و شوهری که عرض کردم - هر دو دانشجو بودند که البته آن پسر هم بعد میرود شهید میشود؛ جزو شهدای گران قدر دفاع از حریم حضرت زینب (سلام الله علیها) است. وضعیّت این جوری است.

ما داریم پیش می‌رویم. ما در ماده و معنا پیش می‌رویم؛ ما به توفیق الهی در ماده و معنا استکبار را شکست می‌دهیم و آنها را به زانو درمی‌آوریم و نشان می‌دهیم که اسلام، اگر چنانچه طرف‌دارانی داشته باشد که آماده باشند برای مجاهدت کردن و دفاع کردن، قطعاً در هر جا و [هر] نقطه‌ی دنیا پیروز خواهد شد و این الگو خواهد شد برای همه‌ی مسلمانها.

پروردگارا! آنچه گفتیم، آنچه می‌کنیم، آنچه کردیم و آنچه شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ به آنچه گفتیم و می‌خواهیم بکنیم برکت عنایت بفرما؛ ما را در راه اسلام زنده بدار و در راه اسلام بمیران.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

- ۱) در ابتدای این دیدار - که در پایان پنجمین اجلاس هیئت پنج‌مین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری که در تاریخ سیزدهم و چهاردهم شهریور ماه سال جاری برگزار شده بود - آیت الله احمد جنتی (رئیس مجلس خبرگان رهبری) و آیت الله محمد علی موحدی کرمانی (نایب رئیس دوم مجلس خبرگان رهبری) گزارشی ارائه کردند.
- ۲) سوره‌ی مائده، آیه ۵۵؛ «ولی شما، تنها خدا و پیامبر او است و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا میدارند و در حال رکوع زکات میدهند.»
- ۳) سوره‌ی انسان
- ۴) یادآور شدن، متذکر شدن
- ۵) آیت الله اسدالله ایمانی (امام جمعه‌ی سابق شیراز و عضو سابق مجلس خبرگان رهبری)
- ۶) آیت الله حبیب الله مهمان نواز (امام جمعه‌ی سابق بجنورد و عضو سابق مجلس خبرگان رهبری)
- ۷) آیت الله محمود هاشمی شاهرودی (نایب رئیس اول مجلس خبرگان و عضو شورای نگهبان)
- ۸) سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، بخشی از آیه ۲۴؛ «... که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است.»
- ۹) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۵؛ «... اگر از [میان] شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن چیره میشوند...»
- ۱۰) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۶؛ «... پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبا باشند، بر دویست تن پیروز گردند...»
- ۱۱) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «... و [نیز] در روز حُنین؛ آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود،



ولی به هیچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد...»

(۱۲) تحف العقول ص ۱۷۳

(۱۳) بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۷/۶/۷)

(۱۴) سوره توبه، بخشی از آیه ۱۰۲: «...کار شایسته را با [کاری] دیگر که بد است درآمیخته اند؛ امید است خدا توبه‌ی آنان را بپذیرد...»

(۱۵) سوره احزاب، بخشی از آیه ۷۰ و ۷۱: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوئید تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد...»

(۱۶) سوره مائده، بخشی از آیه ۶۳

(۱۷) نهج البلاغه، موعظه ۹۳: «...فتنه‌های گمراه‌کننده...»

(۱۸) پرسیدن، جويا شدن

(۱۹) اشاره به پاسخ معظم‌له در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۲۰ به نامه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه

(۲۰) سوره فتح، آیات ۲۲ و ۲۳: «و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد و دیگر یار و یاورى نخواهند یافت. سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت.»

(۲۱) کتاب «یادت باشد»، زندگینامه‌ی داستانی شهید مدافع حرم حمید سیاهکالی مرادی